

بسم الله الرحمن الرحيم

آیا اعتقاد به شهادت و مظلومیت حضرت زهرا سلام الله علیها دارای سابقه تاریخی می باشد؟

توضیح سوال:

آیا در قرون اولیه اسلام و بعد از آن، اعتقاد به شهادت و مظلومیت حضرت زهرا سلام الله علیها وجود داشته است و یا این مساله امری جدید و نو می باشد؟

پاسخ:

تعظیم و بزرگداشت بزرگان دینی از جمله مهم ترین آداب و رسومی است که به حکم عقل امری قابل توجه بوده و در امم و گروه های مختلف تاریخی نیز به چشم می خورد. برترین خلق خداوند که برتر از همه بوده، وجود مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد. حضرت زهرا سلام الله علیها نیز که پاره ای وجود آن پیامبر مهر و رحمت است، دارای ویژگی های خاصی بوده و ابعاد وجودی آن حضرت نیز حائز اهمیت است. زندگی کوتاه آن حضرت که رنگ هجده بهار را به خود دید، دارای زوایای مختلفی است. مظلومیت آن بانوی یگانه از غمبار ترین برگ دفتر زندگانی یادگار رسول خداست. اتفاقات ناگواری که با فراموشی وصیت های متعدد پیامبر مبنی بر رعایت حرمت آن حضرت، همسر و فرزندان شان و چشم طمع بر فرمانروایی ظاهری بر دنیا، جنایاتی را مرتکب شدند که تا ابد در تاریخ مکتوب و برگ بر مظلومیت های آن خانواده بر جای گذاشتند و پیشینیان و آیندگان را به فکر فرو برد که عده ای با رویکرد جریان حاکمیت، چه برخورد و سبک رفتاری با دختر پیامبر امت خود داشتند؟

شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها که خود فصل مهمی از حیات و شناخت دقیق آن حضرت است، دارای اهمیت فراوانی بوده و در واکاوای حوادث و رخ دادی های ناگواری که بعد از شهادت رسول خدا تا شهادت صدیقه کبری سلام الله علیها رخ داد، اهمیتش بیش از پیش مشخص و راه تشخیص حق و باطل را هموار تر می کند.

جدای از روایات و مستندات حدیثی که پیرامون شهادت آن بانوی مظلومه که بازتاب آن در منابع مکتوب یافت می شود، تصریح و تأکید علمای شیعه نیز حائز اهمیت است. اما با دقت در منابع و مستندات، علی الخصوص آنچه که از بزرگان اهل تسنن در دسترس است، به حقیقت مهمی دست می یابیم و آن اینکه حتی در زمان ائمه معصومین علیهم السلام نیز اعتقاد به شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها و نقش جریان حاکم در ظلم بر ایشان و جنایات غاصبین خلافت در سقط حضرت محسن سلام الله علیه، یک اعتقاد در بین شیعیان متقدم بوده است که نویسندگان سنی نیز در منابع مکتوب خود کم و بیش بدان اشاره کرده اند.

در این نوشته ابتدا به نظرات برخی از علما و بزرگان شیعه رضوان الله علیهم اجمعین اشاره و سپس به نظرات تنی از علمای اهل سنت پیرامون این اعتقاد شیعه اشاره خواهد شد.

1. نظرات علمای شیعه

در این بخش به نظرات برخی از علمای شیعه پیرامون جریان شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها و اعتقاد عمومی شیعیان اشاره می شود:

1. شیخ صدوق متوفای 381 هجری

محمد بن علی بن بابویه قمی رضوان الله تعالی علیه که از بزرگان و علمای حدیث پژوه مکتب اهل بیت علیهم السلام شمرده می شود، در ذیل روایتی از قول برخی از اساتید خود پیرامون حضرت محسن علیه السلام چنین می نویسد:

و قد سمعت بعض المشایخ یذکر أن هذا الكنز هو ولده المحسن علیه السلام و هو السقط الذی ألقته فاطمة علیها السلام لما ضغطت بین البابین.

از برخی اساتید شنیدم که ذکر کرده اند این گنج، همان فرزندش محسن علیه السلام است، هنگامی که فاطمه سلام الله علیها را بین دو درب فشار دادند، او را سقط کرد.

الصدوق، محمد بن علي بن الحسين، (المتوفى 381ق)، معاني الأخبار، ص 206، تصحيح وتعليق : علي أكبر الغفاري،

ناشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، سال چاپ : 1379هـ - 1338 ش.

با دقت در کلام شیخ صدوق، در میابیم که جریان سقط حضرت محسن علیه السلام در جریان حمله به خانه حضرت

زهرا سلام الله عليها در قرن چهارم، امري مسلم قلمداد شده و علمای شیعه نیز بدان تصریح داشته اند.



2. شیخ طوسی متوفای 460 هجری

محمد بن حسن طوسی معروف به شیخ الطائفه که از بزرگان و اعیان شیعه در زمان خود بوده و در بغداد و می زیسته

است، جریان مظلومیت حضرت زهرا سلام الله عليها و اعتقاد شیعیان نسبت به این قضیه را چنین بیان می کند:

ومما أنکر علیه: ضربهم لفاطمه عليها السلام وقد روی: أنهم ضربوها بالسياط والمشهور الذي لا خلاف فيه بين الشيعة: أن

عمر ضرب علی بطنها حتى أسقطت فسمي السقط محسنا. والروايه بذلك مشهوره عندهم. وما أرادوا من إحراق البيت

عليها حين التجأ إليها قوم وامتنعوا من بيعته. وليس لأحد أن ينكر الروايه بذلك، لأننا قد بينا الروايه الوارده من جهه العامه

من طريق البلاذري وغيره وروايه الشيعة مستفيضه به، لا يختلفون في ذلك.

از کارهایی بر ابوبکر که ناروا دانسته‌اند؛ زدن فاطمه علیها السلام توسط آن‌ها است. روایت شده است که: آن‌ها فاطمه را با شلاق زدند. و در روایت مشهوری که شیعیان در آن اختلاف ندارند، آمده است که: عمر به شکم فاطمه علیها السلام زد که بر اثر آن، جنین خود را سقط کرد؛ و آن جنین محسن نام گذاری شده است. روایات این قضیه در میان شیعیان مشهور است. و یکی از کارهای ابوبکر که ناروا شمرده‌اند این است که: چون گروهی به [خانه] فاطمه پناه آوردند و از بیعت امتناع کردند، آن‌ها قصد داشتند خانه را به روی فاطمه آتش بزنند. هیچکس نمی‌تواند روایات این قضیه را انکار کند؛ زیرا ما روایات آن را از طریق عامه را از بلاذری و دیگران نقل کردیم و روایت شیعه نیز در این زمینه مستفیض است و هیچ شیعه‌ای آن اختلاف نکرده است.

الطوسي، أبو جعفر محمد بن الحسن (المتوفى 460 ق)، تلخیص الشافی، ج 3 ص 156، لملاحظات: مقدمه و تحقیق از حسین بحر العلوم، دار النشر: انتشارات المحبین - قم، الطبعة: اول، سنة الطبع: 1382 ش.

شیخ طوسی که در قرن چهارم و پنجم می زیسته است، مظلومیت حضرت زهرا سلام الله علیها را مساله ای مسلم نزد شیعه بیان و حتی جزئیات آن مانند: سقط جنین آن حضرت با ضربه عمر، تصمیم ابوبکر به آتش زدن زدن خانه آن حضرت را با صراحت تمام بیان کرده است.

عليه بعد اجتماعها بالخبر من الظلم والتألم والبيكت (۱) . وكقولها . علي ماري . والله لأؤمنن الله عليك ولاكنك أبدأ . وما جرى هذا الجري عند كان يجب أن يتكره لغيره . فمن المنكر الضيق على الضيق . وبعد . فلان كان اكثر لي أكبر متداً ومستأمن انكفرت من المسلمين . فانكر طاعة طهها السلام حكمه وندما علي الظلم منه ينشئ عن الكبر من غيرها . وهذا واضح لمن أسعد من شبه .

وما أنكر عليه : ترميم القامحة عليها السلام . وقد روي : أنهم ترميموا بالساطر . والشهور التي لا خلاف فيه بين الشيعة : أن من سرب على طهها من أسقطت . فمن السط (ههنا) . وقرواية بذلك مشهورة عندهم . (۲) وما لارادوا من آخر القامحة عليها . حين كتمها فيها قوم . واستنوا من يمتد . وليس لأحد أن ينكر الرواية بذلك . لأننا نعد رواة الرواية الواردة من جهة العامة من طريق البراري وغيره . (۳) . ورواية القامحة مستقيمة به لا يخطئون في ذلك .

وليس لأحد أن يقول : إنه لو صح ذلك لم يكن خطأ . لأن الامام أن يهدى من امتنع من يومه لاراد اللعن على المسلمين . وذلك : انه لا يجوز أن يقوم من في إصرار الدار على طاعة طهها السلام وأمر المؤمنين والحسن والحين عليه السلام . وهل في مثل ذلك من يسمع ؟ وإنما يكون اتفاقاً (۱) . عقب القامحة تحديداً : بأنه يهدى . وكذا تنكيراً : عنه وقربه ولها معنى واحد . (۲) . واضح كتاب ملهم بن ليس . وهاجر الجني . احوال الزمراء . (۳) . وغيرها من تواريخ قديمة . (۴) . كما عرفنا آخراً في متن وعاش من ۷۹

تلخيص الشافعي

تأليف

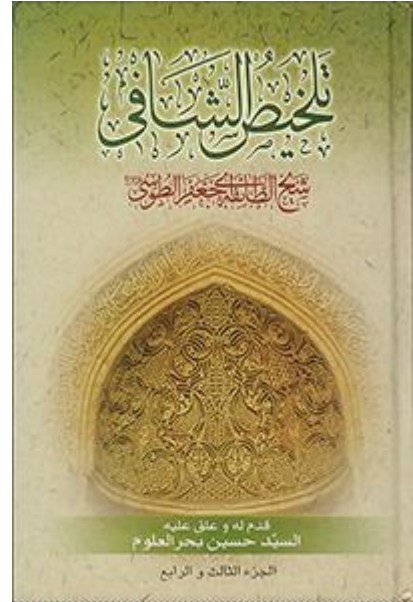
شيخ الطائفة الجعفر الطوسي

(۳۸۵ - ۴۶۰ م)
(۹۹۵ - ۱۰۶۷ م)

مقدّم وعلّی عليه

السید حسین بحر العلوم

الجزء الثالث



2. نظرات علمای اهل سنت

در این بخش به نظرات تنی از علمای اهل سنت پیرامون این عقیده شیعه اشاره می شود.

1. ضرار بن عمرو غطفانی متوفای قرن دوم قمری

ضرار بن عمرو که از بزرگان معتزلی مذهب سنی بوده و تاریخ وفات وی 181 تا 190 ذکر شده است، ضمن اشاره به عقیده شیعیان در زمان خود، می نویسد:

وأن أبا بكر وعمر ظلما وضربا فاطمة بنت رسول الله بنت رسول الله حتى ألقى جنيينا.

[شیعیان بر این اعتقاد هستند که] ابوبکر و عمر به فاطمه ظلم کرده و او را زدند تا اینکه جنینی را سقط کرد.

الغطفاني، ضرار بن عمرو (المتوفى 181-190 هـ)، التحريش، ص52، تحقيق: حسين خانصو/محمد كسكين، الناشر:

دار ابن حزم، الطبعة: الأولى، 1435 هـ - 2014 م.

آنچه که در این گزارش حائز اهمیت است، اشاره به عقیده شیعیان در قرن دوم هجری نسبت به شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها و نقش ابابکر و عمر در ضرب و جرح آن حضرت که در نتیجه منجر به سقط حضرت محسن علیه السلام گردید، می باشد.



3. مطهر بن طاهر مقدسی متوفای 355 قمری

مقدسی که از مورخین قرن چهارم هجری می باشد و شهرت او نیز به علت تألیف کتاب «البدء والتاریخ» اوست،

ضمن معرفی حضرت زهرا سلام الله علیها پیرامون عقیده شیعه می نویسد:

ولدت محسناً وهو الذي تزعم الشيعة أنها أسقطته من ضربة عمر.

فرزندی به نام محسن را به دنیا آورد، او همانی است که شیعه معتقد است در اثر ضربه عمر او را سقط کرد.

المقدسی، المطهر بن طاهر (الوفاة: 507 هـ)، البدء والتاریخ، ج1، ص20، دار النشر: مكتبة الثقافة الدينية – بورسعيد.

این عبارت نیز اعترافی از مقدسی پیرامون عقیده شیعیان پیرامون سقط حضرت محسن علیه السلام است هر چند مقدسی دچار اشتباهی مختصر شده و آن اینکه گمان کرده است حضرت محسن علیه السلام به دنیا آمده است، در حالی که آن کودک معصوم سقط گردید و بسیاری از علمای اهل سنت نیز بدان تصریح کرده اند.

بن ای طاب رفته فوس فی القبر بن قول بن الحارث بن عبد
 الشکب ان یزیداً وذل الی الخلف ان یزیداً ساراً مرفوعاً
 القبره وکان فاضی الشیبه فی ذل حان فقلت له یسیر فی
 القبره ولم یسیر - فاضله فی القبره یانه یزیداً من علی بن ابی
 طالب رفته بد گمانه الشیبه بدت و سدها فی بروج له أربع
 جاتله فیرهم وبنی یا بعد الکراج بسنة فقلت له الحسن سینه
 ثلاث من القبره وقلت بالحین وکان بین القبره والنویح
 عسیر یوم ایامت بحسبک وهو الی زعم القیة انما لفظتله
 من ضربت کمر وکبر من فعل الاکبر لا یزیدون حسباً وولات
 ام کسوم الکبری وارث الکبری فکان جمع ما ولدت فاضله
 عسیر کبر وولدت فاضله بد القیة اینه یوم ورسال یدلایة
 کسوم ولم یلیع علی انما یکر سالم یدقی فاضله واکر ان طاب
 انما ساتت مایة علی ان یکر وهو والله اعلم وکانت امین
 ایامت " فی رسول الله وقرآنتن یریه ولم یرجع امره الله
 علی مایة حتی ساتت رسول الله طیب امین
 حقه رسول الله صامع بود الله بن حان وعلی بن الناص

کتاب البیاد والبلخ
 للعلامة بن طاهر المالکینی

تیزه الفاضل

کتاب البیاد والبلخ
 للعلامة بن طاهر المالکینی

3. قاضي عبد الجبار متوفاي 415 قمری

عبد الجبار بن احمد الهمداني معروف به «قاضي عبد الجبار» از استوانه های حدیثی سنی پیرامون اعتقاد شیعیان درباره شهادت حضرت زهرا علیها السلام و اقامه عزا بر ایشان و حضرت محسن علیه السلام می نویسد:

ولكن دعاوى الرافضة في ضرب فاطمة عليها السلام وقتل ولدها.

اما ادعاهي روافض مبني بر مضروب شدن [حضرت] فاطمة عليها السلام و کشتن فرزندش.

القاضي عبد الجبار بن أحمد بن عبد الجبار الهمذاني الأسد أبادي، أبو الحسين (متوفاي 415هـ)، تثبيت دلائل النبوة،

ج1، ص240، حققه وقدم له: الدكتور عبد الكريم عثمان، دار النشر: دار العربية للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت -

لبنان.

هر چند قاضي عبد الجبار با نقل این روایت در صدد است تا این اعتقاد را رد کند، اما آنچه حائز اهمیت است، اعتراف بر این اعتقاد در زمان او می باشد که اعتقاد به مضروب شدن حضرت زهرا سلام الله علیها و کشتن فرزند ایشان از اعتقادات شیعه در زمان او بوده است.

وی همچنین در جلد دوم کتابش نیز پیرامون اعتقاد شیعه نیز می نویسد:

وَأَنْتُمْ تَدَّعُونَ مَا هُوَ فِي الظُّهُورِ أَعْظَمُ مِنْ هَذَا، مِنْ أَنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ ضُرِبَتْ وَقَتْلَ جَنِينِهَا فِي بَطْنِهَا جِهَارًا بِمَشْهَدٍ مِنَ الْعَبَّاسِ وَعَلِيِّ وَجَمِيعِ بَنِي هَاشِمٍ وَبِمَشْهَدٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَهُمْ أَكْثَرُ مَا كَانُوا وَأَوْفَرُ.

و شما (شیعیان) چیزی را ادعا می کنید که بزرگ تر از این است و آن هم این است که اعتقاد دارید فاطمه علیها السلام مضروب شد و جنینش در شکمش در مقابل عباس (عموی پیامبر) و علی و تمام بنی هاشم و در مقابل مهاجرین و انصار که با تعداد بیشتری در آن جا حاضر بودند، کشته شد.

القاضي عبد الجبار بن أحمد بن عبد الجبار الهمذاني الأسد أبادي، أبو الحسين (متوفاي 415هـ)، تثبيت دلائل النبوة،

ج1، ص240، حققه وقدم له: الدكتور عبد الكريم عثمان، دار النشر: دار العربية للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت -

لبنان.

صرف اعتراف قاضي عبد الجبار برای اثبات اینکه این تفکر و اعتقاد در آن زمان نیز شهرت داشته است، کافی است و از افرادی همچون او نباید توقع داشت که نسبت به این عقیده برنتابد.

قاضي عبد الجبار در ادامه، ضمن نام بردن تعدادي از علمای شيعه من جمله شيخ مفيد رضوان الله تعالى عليه، تصريح دارد اين بزرگان ضمن اعتقاد به شهادت حضرت زهرا سلام الله عليها توسط خليفه دوم، بر آن حضرت گريه کرده و مراسم نوحه سرايي بر پا مي کردند:

وفي هذا الزمان منهم مثل أبي جبلة إبراهيم بن غسان، ومثل جابر المتوفي، وأبي الفوارس الحسن بن محمد الميمدي وأبي الحسين أحمد بن محمد بن الكميت، وأبي محمد الطبري، وأبي الحسن الحلبي، وأبي يتيم الرباي، وأبي القاسم النجاري، وأبي الوفا الديلمي، وابن أبي الديس، وخزيمة، وأبي خزيمة، وأبي عبد الله محمد بن النعمان، فهؤلاء بمصر وبالرملة وبصور، وبعا وبغسلان وبدمشق وببغداد وبجبل البسماق. وكل هؤلاء بهذه النواحي يدعون التشيع ومحبة رسول الله صلى الله عليه وسلم وأهل بيته، فيبكون على فاطمة وعلى ابنها المحسن الذي زعموا أن عمر قتله.

و در اين زمان از جمله ي آن ها مانند ابي جبلة ابراهيم بن غسان و جابر و ابو الفوارس حسن بن محمد ميمدي و ابو الحسين احمد بن محمد بن الكميت و ابو محمد طبري و ابو الحسن حلبي و ابو يتيم و ابو القاسم نجاري و ابو الوفا ديلمی و ابن ابي الديس و خزيمه و ابي عبد الله محمد بن النعمان هستند که در مصر و رمله و صور و عكا و عسقلان و دمشق و بغداد و جبل بسماق سکونت دارند و همه اين ها در اين مناطق ادعای تشيع و محبت رسول الله و اهل بيتش را دارند و بر فاطمه و فرزندش محسن که اعتقاد دارند عمر او را کشته است گريه مي کنند.

القاضي عبد الجبار بن أحمد بن عبد الجبار الهمذاني الأسد أبادي، أبو الحسين (متوفاي 415هـ)، تثبيت دلائل النبوة، ج1، ص594-595، حققه وقدم له: الدكتور عبد الكريم عثمان،، دار النشر: دار العربية للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت - لبنان.

و در ادامه تصريح دارد که علمای شيعه در عزاي حضرت زهرا سلام الله عليها اقامه عزا مي کردند:

ويقيمون المنشدين والمناحات في ذلك.

و در اين زمينه مجالس مداحي و نوحه برپا مي کنند.

القاضي عبد الجبار بن أحمد بن عبد الجبار الهمداني الأسد أبادي، أبو الحسين (متوفى 415هـ)، تثبيت دلائل النبوة، ج1، ص595، حققه وقدم له: الدكتور عبد الكريم عثمان، دار النشر: دار العربية للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت - لبنان.

با دقت در سخنان قاضي عبد الجبار، به اين نکته مي رسيم كه سابقه اعتقاد به شهادت و مظلوميت و حتي جزئياتي كه در جريان شهادت آن حضرت دخيل بوده است، از اعتقادات شيعيان در قرون اوليه اسلام بوده است كه خود حائز اهميت است.

